

فصلنامه علمی مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال دهم، شماره اول (پیاپی ۲۰)، بهار ۱۴۰۰

صص ۲۰۴-۱۸۱

بررسی تطبیقی حقوق کودک از منظر حقوق ایران و قوانین بین الملل

DOR: 20.1001.1.23225637.1400.10.1.7.7

نوع مقاله: پژوهشی

محمدحسین عالمی^۱، فریبا طایی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۱

چکیده

حقوق کودک، یکی از مهمترین حقوق انسان ها است، زیرا اگر کودکان از مراقبت و حقوق ویژه ای برخوردار نباشند؛ نمی توانند در سایه این حقوق از سلامتی روحی و جسمی برخوردار شده و حضوری مفید در اجتماع داشته باشند. با توجه به اهمیت حقوق کودک این پرسش به وجود می آید؛ در صورت عدم رعایت حقوق کودک توسط والدین آیا ضمانت اجرائی برای آن ها در نظر گرفته شده است؟ در عرصه بین الملل نیز کنوانسیون جهانی حقوق کودک ۱۹۸۹ حقوق کودک را مورد تایید قرار داد. حقوق مدنی ایران بر خلاف قوانین بین المللی که برای کودکان بعد از تولد حقوقی را قائل شده اند، به قبل از تولد کودک نیز توجه کرده است. در این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی حقوق کودک از منظر حقوق ایران و بین الملل می پردازیم و این نتیجه را میابیم؛ در دهه های اخیر حقوق ایران و بین الملل نگرشهای جدیدی نسبت به حمایت از کودکان داشته اند؛ حتی برای جنین از زمان انعقاد نطفه نیز حقوقی در نظر گرفته اند. از جمله، وصیت به نفع حمل، حق ارث، وصیت، وقف کردن و غیره... و نفقه که از ویژگی های متمایزکننده فقه و حقوق اسلامی با اسناد بین المللی است.

واژه گان کلیدی: بین الملل، حق، غیر مالی، کودک، مالی، مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

۱- استادیار، عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران

۲- کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران(نویسنده مسئول)

مقدمه

کودکان در هر کشوری به توجه و مراقبت خاص نیاز دارند؛ نخست از این نظر که ناتوانند و توان دفاعی اندکی دارند و دوم از این جهت که کودکان امروز، بزرگسان فردا و آینده سازان اند. کودکان در روند رشد و بلوغ و پس از آن برای ورود به جامعه دارای نیازهای اساسی هستند که چنانچه به نیازهای واقعی آنان در دوران کودکی توجه نشود چه بسا خسارت های غیر قابل جبرانی بر جامعه تحمیل خواهد شد در واقع این نیازها از حقوق کودکان به شمار می آید که باید بدان توجه نمود نیازهای کودکان در برهه ای از زمان از دیگر زمان ها ویژگی و اهمیت فوق العاده ای دارد در این میان حقوق کودک به عنوان یک تکلیف برعهده ی والدین است. ماده یک کنوانسیون حقوق کودک، «کودک» را اینگونه معرفی می نماید: از نظر این کنوانسیون منظور از کودک افراد انسانی زیر سن هجده سال است، مگر اینکه طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود.

قانون گذار، والدین و سازمان های بین المللی هستند که باید از حقوق کودک دفاع و امکان اجرای مطلوب و همچنین ضمانت اجرای آن را فراهم آورند. حقوق کودکان شامل حق بر عدم تبعیض، حق حیات، حق بقا، حق رشد، حق بر ثبت نام، برقراری ارتباط با هر دو والدین، هویت انسانی و همچنین نیازهای اساسی برای حفاظت فیزیکی، غذا، آموزش عمومی دولتی، مراقبت های بهداشتی و قوانین کیفری مناسب بر اساس سن رشد کودک و غیره.. ویژگیهای جسمی، روانی، عاطفی و اجتماعی کودک ایجاب میکند که او علاوه بر حقوق اولیه انسانی، از حمایت و مراقبت ویژه های در قالب تضمین های قانونی بهره مند شود. به همین جهت در تعالیم دینی، مکتب های تربیتی و نظام های حقوقی به رعایت حقوق کودکان اهتمام و عنایت خاصی نشان داده

شده است، به گونه ای که احترام به حقوق کودک، اندیشه ای اساسی در تربیت و مساعدت همه جانبه در رشد فکری و سلامت روحی و روانی او به شمار می رود. حقوق کودک شامل حقوق مالی و حقوق غیر مالی یا معنوی می شود که حقوق معنوی کودک ساختار جامعی مبتنی بر حقوق مختلف در ابعاد آموزشی، عاطفی و اجتماعی است که در این مقاله تنها به برخی مصادیقی از حقوق مالی و غیر مالی کودک در نظام حقوقی ایران و کنوانسیون های بین الملل پرداخته شده است و به دنبال پاسخ گویی به سوال ذیل هستیم.

۱- مهم ترین تفاوت حقوق مدنی ایران و قوانین بین الملل در حق نفقه و نگهداری کودک چیست؟

پیشینه پژوهش

درباره ی پیشینه ی پژوهش در بحث از حقوق کودک، تاکنون مقاله های زیادی نوشته شده است و هر یک از زوایای متفاوتی به این موضوع پرداخته اند. «طیبی و همکاران» (۱۳۹۲) در مقالهای با عنوان «سازوکارهای حمایت از حقوق کودک در برابر مجازات تنبیه» به بررسی فقهی و حقوقی ساختار حمایت از کودک در مقابل تنبیه و منع خشونت بر کودک به عنوان یکی از حقوق کودک پرداخته اند. نتایج پژوهش «توسلی نائینی» (۱۳۸۸) در مقاله «فرزندخواندگی در کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ و مقایسه آن با حقوق ایران» بیانگر این نکته است که مواردی از کنوانسیون پیرامون فرزندخواندگی که مغایر با موازین اسامی است، مورد پذیرش نظام حقوقی داخلی نیست. یافته های «ایروانی و عبادی» (۱۳۹۰) در مقاله «بررسی تطبیقی

حقوق کودک در قرآن و کنوانسیون حقوق کودک» بیانگر پیشگامی در قرآن در توجه به حقوق کودک در مقایسه با کنوانسیون حقوق کودک است. هر یک از تحقیقات مذکور بیشتر به بحث از کنوانسیون حقوق کودک توجه داشته است، به نوعی که شاهد فقدان تحقیق مستقلی در زمینه جایگاه حقوق کودک در نظام حقوقی ایران و حتی اسلام هستیم. (فصیح رانندی، ۱۳۹۸: ۹۰)

۱. تعریف لغوی و اصطلاحی کودک

۱،۱: **کودک در لغت:** به معنای کوچک، صغیر، طفل و بچه خردسال انسان، خواه پسر باشد یا دختر، و فرزندی که به حد بلوغ نرسیده است، می باشد (دهخدا ۱۳۷۳ ج ۱۱: ۱۶۴۸۱)

۱،۲: **کودک در اصطلاح:** طبق نظر مشهور فقهای امامیه، کودک کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد. امام خمینی نیز کودک را کسی می داند که از تصرف در اموالش ممنوع است (امام خمینی ۱۴۲۱ ج ۱ و ۲: ۵۲۰). بر این اساس باید گفت، از نظر فقهی به پسر زیر پانزده سال تمام قمری و دختر زیر نه سال تمام قمری، کودک اطلاق میگردد. ماده یک کنوانسیون حقوق کودک، «کودک» را اینگونه معرفی می نماید: از نظر این کنوانسیون منظور از کودک افراد انسانی زیر سن هجده سال است، مگر اینکه طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود. (نجفی، ج ۲۶: ۴۹)

۲. **در حقوق ایران دوره کودکی به دودوره تقسیم می شود: الف: دوره**

تمییزب: دوره عدم تمییز

دوره تمییز: کودک ممییز، این کلمه از مادهی تمییز گرفته شده و به معنی جدایی اشیاء از یکدیگر است و در جایی به کار می رود که چند چیز با یکدیگر مشتبه شده باشند و فرد

یا افرادی آنیکدیگر جدا سازند کودکی که در دوره تمییز باشد، کودک ممیز گفته می شود و آن عبارت از کودکی است که گرچه سن و سال کمی دارد ولی شعورش به امور روزمره می کشد و سرش در خرید و فروش های عادی کاله نمی رود و هنجارهای روزمره مردم را تا حد متعارف می داند. (امین رضایی، ۱۳۹۵، ص ۶۵)

۳. قسیم حقوق کودک: الف: حقوق مالی ب: حقوق غیر مالی

۳،۱: انواع حقوق کودک: حقوقی که باید از طرف دولت های عضو برای کودکان به رسمیت شناخته شود، مانند: حق بقاء و پیشرفت، حق نام و ملیت، حق آزادی ابراز عقیده و بکارگیری آن در هر موردی که به زندگیش مربوط می شود، حق آزادی بیان، حق آزادی مذهب، حق تشکیل اجتماعات، حق عدم دخالت در امور خصوصی، خانوادگی و مکاتبات، حق دسترسی به اطلاعات از منابع مختلف، حق برخورداری از بالاترین سطح بهداشت، حق برخورداری از آموزش و پرورش، حق عدم مجازات اعدام و حبس ابد در مورد کودکان زیر هیجده سال، حق تفریح و بازی و...

۳،۲: مهمترین حقوق غیر مالی: نسب، حضانت، ولایت و حقوق مالی ارث و نفقه است.

۴. انواع حقوق مالی کودک

۴،۱: حق نفقه در حقوق موضوعه ایران: با تولد کودک، دومین و بزرگ ترین حق مالی به او می رسد. کودک به محض متولد شدن، نیاز دارد تا هزینه های زندگی اش داده شود و به همین خاطر نفقه حق کودک و تکلیف والدین اوست. (اراکی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۱۲) در ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی نفقه اولاد را بر عهده پدر و بعد از آن جد پدری و مادر قرار داده است. زیرا در نفقه اقارب افراد در خط عمودی ملزم به انفاق یکدیگرند. با توجه به مواد قانونی فوق، اولاد واجب النفقه ممکن است صغیر یا کبیر، سالم یا معلول، عاقل یا مجنون باشد که موارد فوق شرط

استحقاق نفقه نیست بلکه اولاد در صورت فقر و عجز از کسب و کار در هر صورت واجب‌النفقه محسوب می‌شود، اشکالی که در بحث نفقه اولاد وجود دارد این است که طفل نسبت به نفقه دوران گذشته خود حق مطالبه ندارد ولی در واقع حق کودک نادیده گرفته می‌شود. در ماده ۱۲۰۴ قانون مدنی نفقه را چنین توضیح داده: نفقه اقارب عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاثیه به قدر رفع حاجت با در نظر گرفتن درجه استطاعت منفق. البته نفقه کودک تنها منحصر به موارد ذکر شده در قانون مدنی نیست و اساساً هر چه که وجودش برای کودک امر ضروری تلقی شود، جزو نفقه خواهد بود. به طور مثال امروزه تحصیل یک امر کاملاً ضروری برای هر انسانی است و کسی که سواد نداشته باشد قادر به زندگی کامل و صحیح در جامعه نخواهد بود. یا اگر کودک مریض شود، هزینه‌های درمان او هرچقدر که باشد جزو نفقه است و والدین باید آن را تأمین کنند. نفقه البته یک مقدار واضح و مشخصی ندارد و موارد زیادی باید بررسی شود تا مقدار صحیح آن به دست بیاید. موقعیت جغرافیایی، وضعیت اقتصادی روز، سطح درآمد والدین و... در تعیین نفقه نقش اساسی را دارند که بررسی این موارد بر عهده دادگاه خواهد بود. ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی نفقه اولاد را برای پس از دوران تولد در نظر گرفته است که نیاز به اصلاح دارد، زیرا برای جنین باید اهمیت خاصی قایل گردید و هزینه‌های مربوط به نگهداری، تغذیه، مراجعه به مراکز مشاوره و درمانی را تضمین نمود تا قابل مطالبه باشد.

حق نفقه در کنوانسیون بین‌المللی: در اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۲۵ بند ۲ به صورت کلی به حق کودک و مادر اشاره شده و آمده است: مادران و کودکان حق برخورداری از کمک و مراقبت ویژه را دارند (ماده ۲۵ حقوق بشر). در اعلامیه جهانی حقوق کودک در ماده ۴۲ به صراحت بر حق کودک از تغذیه، مسکن، بهداشت مناسب در قبل و بعد از تولد مطرح شده است (اعلامیه جهانی حقوق کودک، ماده ۶). در ماده ۴ آمده است: برخورداری

کودکان از امنیت اجتماعی، تغذیه، بهداشت، مسکن و تفریحات و خدمات پزشکی مناسب پیش و بعد از تولد. علاوه بر آن، در ماده ۶ نیز مسئله سرپرستی والدین از کودکان خود به منظور پرورش آنان مورد تاکید قرار گرفته است. در ماده ۱۸ و ۲۱ کنوانسیون حقوق کودک نیز مسئله حمایت از کودکان و پرداخت هزینه زندگی آنان مورد توجه قرار گرفته است و حکومت‌ها را موظف کرد بر پایه حقوق جاری و قوانین داخلی خود، اشکال مختلف کمک به کودکان را به کار گیرند (کنوانسیون حقوق کودک ماده ۱۸ و ۲۰). در ماده ۳ نیز توجه به نفع کودک در خور امعان نظر قرار گرفت و حکومت‌ها موظف شدند با رعایت حقوق والدین یا سرپرست از کودکان حمایت نماید. (اسدی، ۱۳۸۰: ۸۷)

۴،۲: حق ارث کودک: یکی از حقوقی که برای کودک جنین مطرح شده است، حق ارث است. نکته جالب اینجاست که در ماه‌های اول بارداری که کودک تنها جنینی بی‌جان است و هنوز روحی در او دمیده نشده، اسلام حق مالی او را بر عهده پدر و مادرش قرار داده. در قانون مدنی کشور که از فقه شیعه گرفته و تدوین شده نیز چنین حقی را مشاهده می‌کنیم. ماده ۹۵۷ قانون مدنی می‌گوید: حمل از حقوق مدنی متمتع می‌گردد مشروط بر اینکه زنده متولد شود. از جمله حقوق مدنی که در این ماده به آن اشاره شده ارث بردن جنین از والدین خود است. طبیعی است که در این صورت باز ورثه دیگر می‌توانند حق کودک را پایمال کرده و آن را بین خود تقسیم کنند اما حاکم اسلامی این موقعیت را نیز شناسایی کرده و برای آن راه‌حل‌های را پیش پا گذاشته است. در احکام اسلامی و قانون مدنی به تبع آن، برای اینکه سهم الارث جنین حفظ شده و حقوق وی ضایع نشود، می‌توان دو کار انجام داد به این صورت: ۱- اگر جنین مانع ارث بردن دیگران شود به این صورت که والد هیچ فرزندی جز جنین ندارد و با فوت جنین، برادر و خواهرش از او ارث می‌برند،

در این هنگام تا زمان زنده متولد شدن جنین، ارث اصلاً تقسیم نشده و حفظ می‌شود. ۲- اگر جنین برادر و خواهر نیز دارد و آن‌ها سهم‌الارث خود را می‌خواهند، در اینجا باید سهم جنین جدا شده تا کسی سهم او را ضایع نکند. در اسلام حتی برای جنینی که توسط رحم جایگزین متولد می‌شود نیز ارث در نظر گرفته شده. (علی الانصاری، ۱۴۲۰، ج ۳: ۱۶۴)

در حقوق اسلام اگر کسی فوت کرد و اموال و املاک داشت، ثلث آن مربوط به میت است که می‌تواند بر اساس وصیت یا در کارهای خیر و عام المنفعه مصرف کند و دو سوم باقیمانده برای ورثه او است، که بر اساس قانون ارث، بین آنان تقسیم می‌شود. (طوسی،

۱۳۸۸، ج ۴: ۱۱۲)

۵. حقوق غیر مالی

۵،۱: **حق حضانت:** حضانت یعنی پروردن و در اصطلاح عبارت است از نگهداری مادی و معنوی طفل توسط کسانی که قانون مقرر داشته است و حضانت مخصوص ابویین و اقربای طفل است و بین اقربای رعایت طبقات ارث نمی‌شود. (ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی) حضانت مربوط به تربیت طفل و آنچه متعلق به آن است مانند خوابانیدن وی، نظافت، لباس، سرمه کشیدن به چشمان وی و دیگر موارد آمده است. ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی نگهداری طفل را حق و تکلیف والدین قرار داده است. قانون گذار در قبال اعطای سمت پدر و مادر برای آنها تکالیفی را مقرر نموده که آنان نمی‌توانند از آن امتناع نمایند. حضانت آمیزه‌ای از حق و تکلیف است و در برابر اعمال تصدی حضانت به والدین، قانون آنها را مشمول تکالیف مخصوص دانسته‌اند بنابراین حضانت بیشتر یک مسئولیت است نه

امتیاز. (صفایی، ۱۳۸، ج اول: ۲۳۵)

ابهامی در مورد امر حضانت وجود دارد در صورتی امتناع پدر از نگهداری طفل و سوءاستفاده وی از این حق چه ضمانت اجرایی وجود دارد که پدر از این حربه برای فرار از مسئولیت استفاده ننماید. در صورتی که پدر و مادر هزینه حضانت را پرداخت نمایند و یا قادر به پرداخت هزینه نباشند ابهام وجود دارد و تکلیف پرداخت هزینه مشخص نگردیده، که با حقوق کودک در تعارض است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۱۷۸)

۵،۲: حق نگهداری: حقوق کودکان و وظایف والدین موضوعاتی هستند که کاملاً با هم مرتبط است. محمد انسی در حقوق موضوعه در حقوق مدنی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم کتاب هشتم حقوق و قوانین مربوط به اولاد مطرح شده است و در باب دوم آن، مسئله نگهداری و تربیت اطفال بیان شد حقوق مدنی در ماده ۱۱۶۸ آمده است: نگهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابوبین است. اطلاق این ماده دلالت دارد بر اینکه نگهداری اطفال خواه در دوران جنینی و خواه بعد از آن وظیفه پدر و مادر است و تدوین کنندگان آن این حق را پذیرفته اند. هر چند ممکن است گفته شود، ظاهر این ماده دلالت دارد بر اینکه منظور از اطفال، کودکی است که از مادر متولد شده است؛ ولی می توان از اطلاق این ماده استفاده کرد و آن را به کودک جنینی نیز سرایت داد، زیرا در تحلیل مواد حقوقی و قانونی در صورتی که با تفسیر موسع و گسترده می توانیم حقوق افراد را تامین کنیم، باید از تفسیر موسع استفاده کرد.

با توجه به دیدگاه قانون مدنی در مورد حقوق کودک و وظایف والدین می توان چنین نتیجه گیری نمود که در مورد حقوق کودک قبل از دوران تولد هیچ گونه تصمیم گیری نگردیده و برای والدین نیز تکالیفی وضع نشده است، در حالی که دوران قبل از تولد (بارداری) یکی از دوران مهم زندگی و شکل گیری کودک محسوب می شود فلذا جا دارد

که قانون گذار محترم جهت حفظ حقوق کودکان در این دوره قانون لازم را وضع نماید. (صفایی، ۱۳۸۵، ج اول: ۲۵۷) با توجه به اهمیت حقوق کودک قبل از دوران تولد و وظایف والدین به دوران قبل از تولد و بعد از تولد تقسیم می شود.

۱-۵. وظایف والدین قبل از دوران تولد

حقوق کودکان در دوران قبل از تولد مورد توجه کمتری قرار گرفته ولی در واقع دوران حساس و سرنوشت سازی است که باید بیشترین توجه را به آن مبذول داشت، زیرا اگر والدین در این در قانون مدنی می بایست برای این دوران و حتی دوران قبل از انعقاد نطفه وظایفی را در نظر بگیرد به طور مثال مرد و زن پس از طی دوره آموزش و داشتن صلاحیت لازم حق بچه دار شدن را دارا و توانایی تربیت کودک را داشته باشند. نکته مهم اینکه پدر و مادر طفل قبل از بچه دار شدن مطمئن باشند که به هیچگونه بیماری واگیردار و مسری مبتلا نیستند چه بسا ممکن است با وجود بیماری، عدم آگاهی و سهل انگاری آنان کودک معلول و ناتوان متولد شود؛ به همین علت پیشگیری و آموزش می تواند تا حدود زیادی حقوق کودکان را تضمین نماید.

۲-۵. وظایف والدین بعد از دوران تولد

کودک به اراده خود به دنیا نمی آید. زن و مردی که بوجود آورنده وی هستند پس از تولد طفل دارای سمت پدر و مادر می شوند و قانون گذار برای آنان یک سری حقوق و تکالیفی را مقرر کرده است که مهم ترین آن تکالیف قانونی عبارتند از: حضانت، سرپرستی اموال، تربیت، حق نفقه. (محقق داماد، ۱۳۸۴: ۳۵۶)

۳-۵. حق نگهداری در کنوانسیون بین الملل:

حق نگهداری در کنوانسیون بین الملل مهم ترین زمان در دوران قبل از تولد دوران بارداری است ما باید برای این دوران اهمیت خاصی قائل شویم زیرا جنین کودک در حال شکل گیری و بسیاری از صفات ژنتیکی پدر و مادر از قبیل ظاهر، اخلاق و موارد دیگر به فرزند منتقل می شود اگر پدر و مادر این جنین در دوران بارداری به وظایف خود به نحو صحیح عمل نمایند با خسارات جبران ناپذیری بعد از تولد فرزند مواجه خواهیم شد، به طور مثال استعمال مواد مخدر، مشروبات الکلی، حضور در اماکن ممنوعه و عدم رعایت بهداشت می تواند برای جنین و کودک مضر باشد قوانین کشور باید طوری تدوین گردد که این مرحله مهم زندگی را در نظر گرفته و به کمک کودک بیاید و او را مورد حمایت جدی قرار دهد راه یگری که باز هم مورد تاکید است آموزش والدین قبل از بچه دار شدن است که حضور آنان در کلاس مشاوره می تواند کمک شایانی به حقوق کودکان نماید حقوق کودک در زمان قبل از تولد را می توان از منظر حقوق مادی و معنوی نیز تقسیم و تحلیل نمود حقوق مادی کودک قبل از دوران تولد، نفقه و مخارج مربوط به نگهداری از جنین است.

۴-۵. حق تربیت

تربیت طفل عبارت است از آموختن طفل به آداب اجتماعی و اخلاق متناسب با محیط خانوادگی او و کوشش در فرا گرفتن طفل به علم و صنعت است. به عبارت دیگر اینکه فرد بتواند وسیله خوشبختی و سعادت خود و هموعانش را ببار آورد، البته تربیت شامل پرورش قوای جسمانی، روحی و اخلاقی نیز می گردد. تربیت فرزندان به خصوص در سنین کودکی اهمیت ویژه ای دارد در این سنین والدین در سترین الگوی عملی کودک هستند. والدین بستر تربیت صحیح کودک را فراهم سازد او ضمن حرف شنوی از والدین آنها را

از نظر اخلاق و اعتماد به نفس پرورش الگو قرار می دهند. جلب اعتماد کودک و نوجوانان یکی از موضوعاتی است که می بیند والدین از آن غفلت کنند اگر کودک به والدین خود اعتماد داشته باشند احساس امنیت خواهد کرده احساس امنیت نیز زمینه شکوفایی استعداد کودک و نوجوان را فراهم می کند یکی از اصلی ترین کلید تربیت کودک جلب اعتماد به نفس است. در ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی به تربیت کودک اشاره نموده است که حدود تربیت دارای ابهام است. البته والدین باید نهایت کوشش و دقت خود را برای تربیت اخلاقی و روحی بگمارند و در انجام آن اهمال نورزند، نکته قابل ذکر این است که حدود توانایی و اندازه تربیت قابل ارزیابی دقیق نیست و یک امر نسبی است. سوالی که پیش می آید در مورد ضمانت اجرای این ماده است زیرا در صورت عدم تربیت صحیح و همچنین اهمال ورزی والدین، آیا آنان قابل تعقیب و مؤاخذه هستند یا خیر؟ همانطور که بیان گردید تربیت را نمی توان دقیقاً اندازه گیری نمود ولی از ظواهر می توان به نتایجی دست یافت. البته در برخی قوانین جزایی و مدنی والدین طفل در صورت عدم مواظبت و تقصیر، ملزم به جبران خسارت و حتی ملزم به پرداخت جریمه نقدی هستند لذا در مورد حقوق کودکان باید حقوق، همراه اخلاق در نظر گرفته شود تا بتوان راه حل خوبی برای تدوین قوانین مناسب در جهت روشن تر شدن وظایف والدین ارائه نمود. نکته قابل ذکر در این قسمت این است که براساس ماده واحده رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه مصوب ۱۳۱۲، حضانت و تربیت اطفال اقلیت های دینی طبق قواعد و عادات مسلمه مذهب آنان خواهد بود. (محقق داماد، ۱۳۸۴: ۳۶۸)

۵-۵. حق اداره اموال کودکان

یکی از وظایف مهم والدین طبق ماده ۱۲۱۷ قانون مدنی اداره اموال طفل است که البته کلمه ولی قهری آورده شده است و همچنین طبق ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی ولی قهری طفل باید رعایت

مصلحت صغیر و کودک را تحت هر شرایطی بنماید. اداره اموال باید به نحو احسن و مطلوب انجام شود، البته تشخیص و معیار سنجش در این ماده مشکل می‌باشد؛ وانگهی ضمانت اجرای معاملات انجام شده توسط وی که به ضرر صغیر بوده مشخص نگردیده است و از طرف دیگر ممکن است ولی قهری در پنهان و به دور از چشم دیگران اقدام به ضرر رساندن به اموال صغیر نماید. قانون مدنی در مقابل ضررهای وارده به اموال کودکان ساکت است، ولی اکثر حقوق دانان عقیده دارند چنین معاملاتی باطل و عده‌ای دیگر آن را غیرنافذ و معتقدند هنگامی که طفل کبیر گردید می‌تواند آن را تنفیذ نماید. نکته مهم در مورد ضررهایی است که به طور پنهانی به اموال کودکان وارد می‌شود و هیچ کس نمی‌تواند از حقوق آنان دفاع نماید و قانون تصمیمی اتخاذ نموده است، همانطور که از کودکان باید حمایت نمود اموال آنان نیز محترم و باید مورد حمایت قرار گیرند تا اطفال بعد از رسیدن به سن رشد بتوانند به نحو مطلوب از آن استفاده نمایند. (مدیرینا، ۱۳۵۳: ۳۶۵)

۵-۶. حق حیات در حقوق موضوعه

سقط جنین در اغلب نظام های حقوقی دنیا به عنوان جرم و تخلف شناخته شده و حسب مورد برای آن مجازاتهای حبسی، جزای نقدی و مالی در نظر گرفته شده است در فقه اسلامی قصاص، دیه، حبس و تعزیر برای مباشرین و معاونین در عمل سقط وضع شده است. ماده ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: عالماً عامداً به واسطه ضرب یا اذیت و آزار زن حامله، موجب سقط جنین وی شود علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص حسب مورد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد به نظر می‌رسد اولاً: قصاص مذکور در ماده فقط در خصوص جنین ذی روح می‌باشد، ثانیاً: مرتکب باید دارای سوء نیت باشد و ثالثاً:

عنصر مادی و نحوه ی ارتکاب باید به واسطه ضرب و جرح واذیت و آزار باشد (محمد بن مکی عاملی، ۱۳۱۹، ج ۶: ۶۲)

حق حیات در کنوانسیون بین الملل: غالب اسناد بین المللی مربوط به حقوق بشر صراحتاً به مسئله سقط جنین نپرداخته اند؛ بنابراین، استنباط موافق یا مخالف از آنها مستلزم تعمق تفسیری از آنهاست. بر اساس بند ۱ ماده ۶ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (مصوب ۱۹۶۶ مجمع عمومی ملل متحد) هر انسانی دارای حق ذاتی بر حیات است و اضافه می شود؛ حق بر حیات تنها حقی است که در سرتاسر آن سند تحت عنوان حق ذاتی معرفی شده است و کمیته حقوق بشر از این حق با عبارت حق برتر نام برده است. حق بر حیات حقی غیرقابل تخطی و تابان جا مقدس است که حتی به هنگام بروز ضرورت های اجتماعی که حیات یک ملت را در معرض تهدید قرار می دهند، نمی توان از این حق عدول کرد.

بند ۱ ماده ۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی پس هر اقدامی که علیه انسانیت و مبانی عقلی خالق این قاعده صورت گیرد به معنای نقص حق بر حیات و سست کردن اصول میثاق است. آنچه مسئله سقط جنین را از حساسیت ویژه ای برخوردار می سازد. تعارض حق های بشری در آن است. این حق ها عبارتند از: حق جنین بر حیات، و حق زن بر اختیار روش حیات. بدیهی است که تعارض این حق ها موجب محدودیت آنها می شود. (صفری امیری، ۱۳۹۰: ۷۵)

۶. حق نام در حقوق موضوعه

لزوم انتخاب نام نیکو، الحاق فرزند به نسب و تابعیت مشخص و برخورد مهرآمیز با کودک به عنوان حقوق مسلم او توجه داشته است (جزایری، ۱۳۸۴: ۵۷) زیرا نام علاوه بر آنکه هویت انسان است، نمایانگر استقلال و تمایز او نسبت به دیگران هست و

حوزة وجودی او را از غیر خود متمایز خواهد کرد. به جهت ضرورت اعمال حساسیت نسبت به این موضوع در روایتی از حضرت رضا (علیه السلام) نقل شده است که: «استحسنوا أسماءکم فإنکم تدعون بما یوم القیامه قم یا فان بن فان الی نورک قم یا فان بن فان ال نور لک» نامهای زیبا برای یکدیگر برگزینید، زیرا با آن نام شما را در قیامت صدا میزنند و میگویند: برخیز ای فالنی به سمت بهشت برو یا برخیز ای فالنی که بهشتی برای تو نیست (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۶: ۲۶۵)

در قانون مدنی، حق نام برای افراد تاکید شده است و در ماده ۹۹۷ آمده است: هر کس باید دارای نام خانوادگی باشد. اتخاذ نام های مخصوصی که به موجب نظام نامه اداره سجل احوال معین می شود، ممنوع است. به تصریح قانون مذکور، هر انسانی باید نام خانوادگی داشته باشد. در واقع، این موضوع بعد از این فرض است که شخص نام کوچک را دارد. شاید بی توجهی قانون به نام کوچک این بود که داشتن نام کوچک امری بدیهی و ضروری بوده است. لذا در قانون بدان اشاره نشد. در نتیجه، مسئله نام خانوادگی در گذشته مرسوم نبود؛ ولی امروزه به علت ازدیاد نسل و خانواده ها و ارتباط فراوان افراد با یکدیگر لازم و ضروری است و به آن توجه شده است. (لنکرانی، ۱۴۲۶: ۴۶۵)

۱-۶. حق نام در کنوانسیون بین الملل

در اصل سوم اعلامیه جهانی حقوق کودک به صراحت، حق نام برای کودک ذکر شده است. در این اصل آمده است: کودک باید از بدو تولد صاحب اسم و ملیت گردد. در ماده ۷ کنوانسیون حقوق کودک نیز حق نام برای کودک در خور توجه قرار گرفته است و پدر و مادر و حکومت ها مکلف به انجام آن شده اند. در این ماده آمده است: هر کودکی از بدو تولد، حق داشتن یک نام را دارد که باید در دفاتر مربوطه ثبت شود. همچنین داشتن

تابعیت حق اوست و در صورت امکان باید و الدین خود را بشناسد و از سوی آن ها نگهداری شود. در ماده ۸ حکومت های عضو پیمان موظف هستند که حقوق کودک را رعایت کنند و هویت فردی، تابعیت، نام و روابط شناخته شده خانوادگی او را مطابق قانون حفظ نمایند. نتیجه آنکه حق نام از حقوق پذیرفته شده در حقوق اسلام، قوانین جمهوری اسلامی و اعلامیه جهانی و کنوانسیون حقوق کودک است. در ماده سوم اعلامیه جهانی حقوق کودک به حق داشتن نام برای کودک تصریح شده و بیان می دارد کودک باید از بدو تولد صاحب اسم، ملیت و هویت گردد هم چنین در ماده هفتم کنوانسیون حقوق کودک، چنین آمده است: تولد کودک بلافاصله پس از به دنیا آمدن ثبت می شود و از حقوقی مانند حق داشتن نام، کسب تابعیت و در صورت امکان، شناسایی والدین ... برخوردار می باشد. (مصفا، ۱۳۸۳: ۲۸۹)

۷. حق نسب در حقوق موضوعه

قوام و پایداری خانواده بر دو رکن مهم است: الف: زوجیت؛ ب: نسب .
 حق نسب به عنوان یکی از حقوق معنوی کودک به معنای رابطه ی خونی و حقوقی است که پدر و مادر را به فرزندان آنها مربوط مینماید. (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۴۶۸) نباید از نظر دور داشت که نسب از آن جهت جزء حقوق کودک شمرده می شود که موجب اثبات تولد فرزند ناشی از وجود علقه ی زوجیت و صحت نکاح و اثبات عدم زنا در رابطه ی میان زن و مرد است. با توجه به اهمیت نسب در حفظ نظام خانواده و ثبات نسل ها، اهتمام شارع و قانونگذار همواره بر حفظ آن در سایه ی تقنین بوده است. از این رو، در فقه امامیه و به تبع آن قانون مدنی، با استفاده از مواد ۱۱۵۸ تا ۱۱۶۷ برای اثبات نسب پدری، که به دلیل پنهان بودن

منشأ آن به مراتب دشوارتر از نسب مادری است، دلیل متعددی مانند قاعدهٔ فراش، اقرار، شهادت و ... را تعیین کرده است. (نقیبی، ۱۳۸۲: ۳۳) در اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی، توجه به جایگاه خانواده تاکید شده است. در این اصل آمده است: از آنجاکه خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است همه قوانین و مقررات و برنامه ریزی های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانواده بر پایه حقوق و اخلاق است.

در کنوانسیونهای بین المللی: در کنوانسیون جهانی حقوق کودک، مسئله هویت شخصی کودک و نسب و رابطه او با خانواده در توجه قرار گرفته است و حکومت ها را بر اجرای آن موظف نموده است. در ماده ۸ کنوانسیون آمده است: الف: حکومت های عضو پیمان موظف هستند که حقوق کودک را رعایت کنند و هویت فردی، تابعیت نام و روابط شناخته شده خانوادگی او را مطابق قانون حفظ نمایند. ب: در صورتی که تمام یا بخشی از هویت شخص به طور غیر قانونی خدشه دار شود، حکومت ها سریعاً در صدد ترمیم این خسارت بر می آیند. در ماده مذکور، دولت ها موظف شدند، هویت فردی، تابعیت، نام و روابط شناخته شده خانوادگی کودک را حفظ کنند، تا مبادا با آسیب وارد شدن بر آن، شخصیت و هویت کودک خدشه دار شود.

البته در ماده مذکور مشخص نشد که روابط شناخته شده خانوادگی کودک چگونه باید باشد و از جهت خانوادگی وضعیت فرزند چگونه است. مگر آنکه گفته شود، منظور قانون این است که بر روش رایج در مدت و کشورها عمل شود که فرزند را به پدر یا پدر و مادر ملحق می کند. ماده مذکور از این جهت انعطاف دارد و کشورها را مقید نکرد تا از یک روش پیروی کنند و آن ها را در مسئله نسب و روابط خانوادگی آزاد گذاشته است؛ ولی در هر حال،

کشورها بر اساس قوانین داخلی باید هویت افراد و وضعیت روابط خانوادگی آنان را مشخص نمایند، تا مشکلات جهل و تردید روابط خانوادگی افراد از بین برود. البته مسئله نفی نسب و سلب هویت فرزند در فقه اسلامی و به پیروی از آن در قانون جمهوری اسلامی ایران پیش بینی شده است و در برخی مواقع بر اساس شرایط و مقرراتی مجاز شمرده شده است؛ ولی از نظر قانون گذار اسلام در اوضاع عادی، پدر و مادر نمی توانند نسب کودک را نفی کنند و کودک به پدر ملحق است و نفی کودک علاوه بر اینکه مق ررات سنگینی دارد، در برخی از مواقع برای آن معجزات نیز پیش بینی شده است. (نقیبی، ۱۳۸۲: ۳۵)

۸. کودک کار

پدیده کودکان کار یکی از معضلات گریبان گیر اکثر شهرهای بزرگ در جهان معاصر است. گسسترش این پدیده به حدی است که جوامع توسعه یافته و در حال توسعه را به یک اندازه به خود مشغول کرده است. کودک کار به کودکی گفته میشود که بین ۵-۱۴ سال سن داشته باشد و برای افرادی غیر از خانواده خود در ازای دستمزد نقدی یا غیر نقدی کار می کند و در کسب و کار یا در اداره امور منزل بیش از ۴ ساعت در شبانه روز مشارکت دارد. که این امر آنها را بیشتر اوقات از رفتن به مدرسه و تجربه دوران کودکی بی بهره می سازد و سلامت روحی و جسمی آن را تهدید می کند. تعریف کودکان کار در کشور های مختلف یکسان نیست به گونه ای که در برخی کشورهای آسیای کار افراد در گروه سنی ۸ تا ۱۳ ساله در زمره کار کودکان صورت می گیرد، اما عمده تعریفی که شامل بیشتر کشورهای جهان از جمله ایران می شود شامل کودکان زیر ۱۵ سال است که کار کودک شامل کار در کارخانه ها، معادن و بخش های خدماتی، کشاورزی، کمک در کسب و کار والدین داشتن کسب و کار شخصی مانند فروش غذا یا کارهای نا متعارف باشد

مشاغل کاذبی چون دست فروشی است. ناپذیرفته ترین شکل های کار کودکان استفاده نظامی از کودکان و تن فروشای اسات موارد کمتر جنجالی و معمو قانونی (با بعضی محدودیت ها) شامل کار کشاورزی در ایام تعطیلات مدارس (کار فصلی)، کسب و کار خارج از ساعات مدرسه و همچنین بازیگری و آواز خوانی کودکان می باشد.

۱-۸. علل و عوامل کار کودک

عواملی چون نارسایی های اجتماعی مثل خانواده و مدرسه، فقر اقتصادی خانواده های کودکان کار و ناتوانی آن ها در انطباق با شیوه های زندگی شهرهای بزرگ، آلودگی و آسیب زا بودن محلات حاشیه نشین شهری، فقدان نظارت کافی از سوی سازمان های مسئول، و الگوهای نادرست کنش متقابل شهروندان و کودکان کار، همه دست به دست هم داده اند تا پدیده کودکان کار، کماکان به عنوان مشکل صعب العبور در بسیاری از شهرها و کشور خود نمایی کند. (ایروانیان، ۱۳۸۸: ۱۳۶)

کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹: هرچند در اعلامیه حقوق بشر و میثاق ها بر حمایت از حقوق کودکان تاکید شده بود. گزارش هایی مبنی بر این که حقوق کودکان بطور کامل رعایت نمی شود و در نتیجه در سال ۱۹۷۸ دولت لهستان پیش نویس کنوانسیون در زمینه حقوق کودک را به کمیسیون حقوق بشر ارائه نمود و بعد از مباحث زیادی این پیش نویس در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ به تصویب مجمع عمومی رسید و در ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ بعد از تصویب در ۲۰ کشور اجرا گردید، از ویژگی های کنوانسیون وسعت شمول و گستردگی آن به نحوی که اصول و مفاد آن کلیه کودکان جهان را دربر می گیرد این سند بین المللی توسط تمامی دولتها (به جز امریکا و سومالی) پذیرفته شده است این کنوانسیون که در سال ۱۳۷۲ توسط مجلس شورای اسلامی به صورت مشروط تصویب گردید که دارای یک مقدمه و ۵۴ ماده

است و حمایت از کودک را در ۳ بعد مطرح می‌سازد: ۱- حمایت از کودک بعنوان انسان آسیب پذیر مورد حمایت. ۲- حمایت از کودک بعنوان فرد معارض قانون بزهکار ۳- حمایت از کودک بعنوان قربانی جرم. (ایروانیان، ۱۳۸۸: ۱۳۷)

۲-۸. در اسناد بین‌المللی

با توجه به اینکه طبق اصول اعلام شده در منشور سازمان ملل متحد، شالوده آزادی، عدالت و صلح جهانی همانا به رسمیت شناختن منزلت ذاتی و حقوق مساوی و غیرقابل انکار همه اعضای خانواده بشری است و با توجه به اینکه کودک باید برای زندگی فردی در اجتماع آمادگی کامل پیدا کند و در سایه آرمان‌های اعلام شده در منشور سازمان ملل متحد و بویژه صلح، عزت، مدارا، آزادی، برابری و همبستگی بزرگ شود و با اذعان به اهمیت همکاری‌های بین‌المللی برای بهبود شرایط زندگی کودک آن در همه کشورها، بویژه در کشورهای در حال رشد، کلیه کشورهای عضو در کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۹۸۹ میلادی به توافقاتی نایل و مکلف به اجرای قوانین مندرج در پیمان نامه فوق گردیدند. این کنوانسیون با وضع ماده ۱، کودک را چنین تعریف نموده است: از نظر کنوانسیون، منظور از کودک فراد انسانی زیر ۱۸ سال است، مگر اینکه طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود.

با توجه به ماده فوق‌الذکر نکات زیر قابل تأمل است: الف. تنها کسانی مشمول مقررات کنوانسیون می‌باشند که به ۱۸ سالگی نرسیده باشند. ب. سن بلوغ ارائه شده در این ماده یک سن مطلق نیست بلکه بر حسب قانون ملی کودک متغیر است، زیرا طول مدت بلوغ و نوجوانی در جوامع گوناگون یکسان نیست. (مصفا، ۱۳۸۳: ۲۵۴)

نتیجه گیری

تمام انسانها برای زندگی اجتماعی خویش، نیازمند امنیت جسمانی، روحی، محیطی و اقتصادی می باشند به خصوص کودکان به واسطه محدودیت های طبیعی و اجتماعی خود بیش از سایر اقشار جامعه آسیب پذیر بوده و خطر های جسمی، روحی و تربیتی آن ها را تهدید می نماید؛ به همین علت نیاز به حمایت قانون گذار، والدین و جامعه دارند از این رو باید سعی شود تا به بهترین نحو حقوق آنان را استیفا نمود. با توجه به بررسی تطبیقی حقوق کودک در حقوق ایران و قوانین بین الملل در میابیم که در دهه های اخیر حقوق ایران و قوانین بین الملل نگرشهای جدیدی نسبت به حمایت از کودکان داشته اند و کلیه نظام های حقوقی به حقوق کودکان اهمیت و توجه بسیاری نموده اند. حقوق کودک شامل حقوق مالی و حقوق غیر مالی می شود؛ که حقوق مالی کودکان بخش گسترده حق کودک است که در آیات و روایات بر آن بسیار تأکید شده و به صورت کاملاً دقیق و وسواس گونه احکام آن ابلاغ شده است. از مهمترین حقوق مالی کودک، نفقه و ارث است؛ اشکالی که در بحث نفقه اولاد وجود دارد این است که طفل نسبت به نفقه دوران گذشته خود حق مطالبه ندارد ولی در واقع حق کودک نادیده گرفته می شود. حقوق معنوی کودک که مهم ترین حقوق او می باشد ساختار جامعی مبتنی بر حقوق مختلف در ابعاد آموزشی، عاطفی و اجتماعی است که شامل: حضانت، نگهداری، حق نام، نسبو غیره ... می شود. نگهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابوبن است؛ در مورد امر حضانت اشکالی وجود دارد در صورتی امتناع پدر از نگهداری طفل و سوءاستفاده وی از این حق چه ضمانت اجرایی وجود دارد که پدر از این حربه برای فرار از مسئولیت استفاده ننماید. همچنین در مورد ضررهایی است که به طور پنهانی به اموال کودکان وارد می شود و هیچ کس نمی تواند از حقوق آنان دفاع نماید و قانون تصمیمی اتخاذ نموده است. مهمترین تفاوت حقوق

مدنی ایران با قوانین بین‌المللی نسبت به حق نفقه و حق نگهداری کودک این هست که علاوه بر اینکه برای کودکان بعد از تولد حقوقی قائل شده‌اند، نسبت به قبل از تولد کودک نیز حقوقی را برایشان در نظر گرفته‌اند.

از جمله حقوقی که در نظام‌های حقوقی برای کودکان به رسمیت شناخته شده است شامل: حق بقاء و پیشرفت، حق نام و ملیت، حق آزادی بیان، حق آزادی مذهب، حق تشکیل اجتماعات، حق عدم دخالت در امور خصوصی، خانوادگی و مکاتبات، حق دسترسی به اطلاعات از منابع مختلف، حق برخورداری از بالاترین سطح بهداشت، حق برخورداری از آموزش و پرورش، حق تفریح و بازی و غیره... می‌باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- 1) Al-Ansari Sheikh Muhammad, 1420 AH, Al-Mousawa Al-Fiqhiyyah, vol. 3: Qom, published by the Islamic Thought Association, first edition.
- 2) Amin Rezaei Darsa, 2016, Child Labor from the Perspective of International Law and the Law of the Islamic Republic of Iran, Thesis, Supervisor: Mohammad Habibi Majandeh, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Faculty of Law.
- 3) Araki Mohammad Ali, 1413 AH, Al-Makasib Al-Muharram, vol. 2: Qom, Institute in the Way of Truth, first edition.
- 4) Asadi Leila, 2001, "A Study of Alimony for Wives and Relatives in English Law", Nedaye Sadegh Magazine, Winter, No. 24,
- 5) Bariko Alireza, 2008, Civil Rights of (1) Individuals and Their Legal Support: Tehran, Majd
- 6) Dekhoda Ali Akbar, 1373, Dekhoda Dictionary: Tehran, Publishing and Printing Institute, University of Tehran, First Edition.
- 7) Director Seyed Javad, 1974, Child Rights: Tehran, Etihad Press, First Edition
- 8) Fazel Lankarani Muhammad, 1426 AH, Tafsil al-Shari'ah fi Sharh Tahrir al-Wasila al-Ijtihad al-Taqlid: Qom, Center for the Jurisprudence of the Imams, first edition.
- 9) Irvanian Amir et al., 2016, Child Abuse (from Etiology to Response): Tehran, Khorsandi Publications, Third Edition.
- 10) Jafari Langroodi Mohammad Jafar, 2007, Legal Terminology: Tehran, Ganj-e-Danesh Publications, 17th Edition.
- 11) Katozian Nasser, 2015 Civil Law in the Current Legal Order: Tehran, Volume, Edition 52.
- 12) Khomeini, Ruhollah, 1379, Tahrir al-Wasila: Qom, Dar al-Alam, fourth edition.
- 13) Klini Mohammad Ibn Yaqub. 1990 Sufficient Principles, Volumes 6 and 8, Translation and Description: Javad Mostafavi: Tehran, Islamic Bookstore, Fourth Edition.
- 14) Mohaghegh Seyed Mostafa Groom, 2005, Family Law: Tehran, Islamic Sciences Publishing Center Publications, Twelfth Edition.
- 15) Mohaghegh Seyyed Mostafa Groom, 2005, Family Law: Tehran, Islamic Sciences Publishing Center Publications, Twelfth Edition.
- 16) Mohammad Ibn Maki Ameli Shamsuddin, 1319, Sharh Lamah, Volume 6: Tehran, Islamic Bookstore, Second Edition.
- 17) Mosafa Nasrin, 2004, Convention on the Rights of the Child and its Exploitation in Iranian Domestic Law: Tehran, Tendency Publishing, First Edition.

- 18) Najafi Muhammad Hassan, 676 AH, Jawahar al-Kalam fi Sharh Sharia al-Islam, vol. 26: Beirut, Dar al-Azwa, sixth edition.
- 19) Naqibi Seyed Abolghasem 2003, "Theory of Compensation to the Intellectual Rights of the Child", Quarterly Journal of Jurisprudence and Family Law Nedaye Sadegh, No. 32.
- 20) Safaei, Seyed Hossein, 2006, Introductory Course in Civil Law, Volume 1: Tehran, Mizan Publishing, Sixth Edition.
- 21) Safari Amiri Yaser, 2011, Children's Rights from the Perspective of Imami Jurisprudence, Iranian Law and International Conventions, Thesis, Instructor: Dr. Umm Al-Banin Ramezanzadeh, Islamic Azad University, Behshahr Branch, Private Law.
- 22) Shaykh al-Islam Jazayeri Seyyed Jafar, Raising a Child from the Perspective of Islam: Tehran, Tehran Hundred Library Publications, Bitā.
- 23) Tusi Mohammad Ibn Hassan, 1388, Al-Mabsut, H 4: Tehran, Al-Muktabiya Library, Second Edition.

